



ذهن و زبانِ ناصرعلی سرهندی

تألیف:

دکتر محمدامیر مشهدی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

سرشناسه : مشهدی، محمدامیر، ۱۳۴۰.

عنوان و نام پدیدآور: ذهن و زبان ناصرعلی سرهندی / نویسنده: محمدامیر مشهدی

مشخصات نشر: زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۴۴۹ ص، وزیری، ۱۸۱.

شابک: ۷-۳۹-۹۷۸-۶۰۰-۵۱۴۵.

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: ناصرعلی سرهندی، ۱۱۰۸-۱۰۴۸ق، نقد و تفسیر

موضوع: شاعران (فارسی زبان) قرن ۱۱ق- سرگذشتنامه شعرفارسی- قرن ۱۱ق- تاریخ و نقد

شناسه افزوده: دانشگاه سیستان و بلوچستان.

شناسه افزوده: University of Sistan and Baluchestan

رده بندی کنگره: P1.۹۲۲۹

رده بندی دیویی: ۸۱۴/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۱۲۲۶۷



دانشگاه سیستان و بلوچستان

ناشر: انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان

ذهن و زبان ناصرعلی سرهندی

مؤلف: دکتر محمدامیر مشهدی

چاپ: چاپخانه المهدی دانشگاه سیستان و بلوچستان

نوبت چاپ: اول ۹۹، قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان، شمارگان: ۲۰۰

شابک: ۷-۳۹-۹۷۸-۶۰۰-۵۱۴۵

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

تمام حقوق چاپ و نشر این اثر طبق قرارداد محفوظ است، هرگونه چاپ و تکثیر از محتویات این کتاب بدون اجازه کتبی ممنوع است، متخلفان به موجب قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

پیشگفتار

کتاب حاضر به بررسی غزل های ناصرعلی سرهندی می پردازد. ناصرعلی یکی از شاعران دشوار سخن سبک هندی و شعر فارسی است. به دلیل آن که وی، شعر دارای ابهام و خیالات باریک را می پسندیده در ردیف شاعرانی همچون: میرزا جلال اسیر شهرستانی، قدسی، شوکت بخارایی و بیدل دهلوی قرار می گیرد. نازکی و دقت افراطی ناصرعلی و شاعران یاد شده در آفرینش تصویر تشبیهی باعث شده که نه تنها عامه مردم بلکه نقادان سخن نیز کمتر به حریم شعر آن ها نزدیک گردند. بنابراین غزل های ناصرعلی هندی و دیگر شاعران پیرو طرز خیال، به ندرت، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، به طوری که اثری مستقل، پیرامون شعر ناصرعلی، پدید نیامده است. نیاز جامعه ادبی و دانشگاهی، اینجانب را واداشت که به خلوت خیال و کلام ناصرعلی، پا گذارم و در این کتاب شاعر برجسته را مورد بررسی و تحلیل قرار دهم.

کتاب ذهن و زبان ناصرعلی سرهندی دارای یک مقدمه و چهار فصل است. مقدمه به جایگاه ناصرعلی و شعر او نزد تذکره نویسان قرن گذشته و استادشغیعی کدکنی پرداخته است. از آنجا که زبان، موسیقی، تخیل و عاطفه، عناصر اصلی شعر، شمرده می شوند، چهار فصل کتاب نیز به عناصر یاد شده اختصاص یافته است. فصل نخست زبان، فصل دوم: موسیقی، فصل سوم: تخیل، فصل چهارم: عاطفه.

سعی شده است که ویژگی ها و جزئیات کلام ناصرعلی سرهندی در هر یک از فصل های مورد نظر به طور کامل و دقیق آورده شود تا خواننده کتاب، متناسب با نیاز و ذوق و سلیقه خود از شعر این شاعر، بهره مند گردد.

ناصرعلی سرهندی ملقب به «صائبی ثانی» (متولد سال ۱۰۴۸ قمری در سرهند هندوستان و متوفی رمضان سال ۱۱۰۸ قمری در شاه جهان آباد = دهلی) و مختلص به علی از شاعران فارسی زبان معروف هند به شمار می آید. وی در سبک هندی، جایگاه ویژه و برجسته ای دارد. از جوانی به شعر، روی آورد. پیرو طریقه نقشبندیّه بود. ملازم میرزا فقیرالله، ملقب به سیف خان، حاکم الله آباد شد. در زمان سیف خان به سیر و سیاحت پرداخت. چون سیف خان در

سال ۱۰۹۵ قمری درگذشت ناصرعلی به سِرهِنْد بازگشت. در آن جا گرفتار آزارِ شیخ احمد سِرهِنْدی شد، اما میرزا محمدزمانِ راسخ سِرهِنْدی از ناصرعلی سِرهِنْدی حمایت کرد و او را به شاه جهان آباد (دهلی) فرستاد. پس از چندی به زادگاه خویش بازگشت و نزد شیخ محمد معصوم از پیشروانِ سلسلهٔ نقشبندیّه توبه کرد و امان یافت. در سال ۱۱۰۰ قمری از سِرهِنْد به بیجاپور رفت و به خدمتِ امیرالأمرا ذوالفقارخان بهادر رسید و چون ذوالفقارخان، مأمورِ تسخیرِ گرناتک از نواحی دکن گردید، ناصرعلی با او همراه گشت و مدتی در آنجا به سر بُرد. در همین سفر با یکی از معصومین به نام شاه حمید آشنا شد و مُریدش گشت و به وارستگی گرایید. مدتی در هند به خدمتِ پادشاهِ گدار پرداخت و پس از آن به مولتان و از آنجا به شاه جهان آباد (دهلی) رفت. پیکرش را در کنارِ نظام الدین اولیای دهلوی در دهلی به خاک سپردند.

دیوانِ اشعارِ ناصرعلی سِرهِنْدی، مستمل بر قالب های شعری قصیده، غزل، مثنوی و رباعی می باشد و بیش از ۳۵۰۰ بیت است. دیوانش به سال ۱۸۴۴ میلادی (۱۲۸۱ هـ ق) در لکهنو و بار دیگر به سال ۱۹۱۷ میلادی در کانپور چاپ شد.

شعرِ ناصرعلی، دارای زبانِ ساده و نزدیک به محاوره است. آهردنِ خیالاتِ باریک و بسیار دقیق برای یافتنِ مضامینِ دیرپاب از ویژگی های آشکارِ سخنِ این شاعر است. ناصرعلی دارای استعدادِ ذاتی بود و بیشتر بر ذوقِ خود، تکیه داشته تا بر دانشِ معلوماتِ علمی و ادبی خویش. برخی همین استعدادِ ذاتی وی را مایهٔ غرور و سببِ خودستایی های فراوانِ وی دانسته اند.

لازم به توضیح است که علاوه بر چاپِ قَوْقُ الذِّکْر دو بارِ دیگرِ دیوانِ ناصر علی سِرهِنْدی به چاپ رسیده است. ۱- تصحیحِ رشیده حسن هاشمی توسطِ مرکزِ تحقیقاتِ فارسی ایران و پاکستان، در شهرِ اسلام آباد سال ۱۳۸۴ شمسی - ۲۰۰۵ میلادی ۲- تصحیحِ حمید کرمی توسطِ انتشاراتِ الهام، تهران، سال ۱۳۸۸ شمسی که این دو اثر، در دسترس و مورد استفاده اینجانب بوده است. تصحیحِ حمید کرمی را متنِ پایهٔ این پژوهش قرار دادم. تصحیحِ رشیده حسن هاشمی به عنوانِ متنِ فرعی و یاری رسان، موردِ توجه قرار گرفت. همان گونه که استاد شفیع کدکنی یاد آور شده اند دیوانِ کاملِ ناصرعلی در اختیار نیست.

چاپ های یاد شده از دیوان ناصرعلی سیرهندی ، علاوه بر آنکه از نظر کمیت، همه اشعار شاعر را در بر ندارد، از نظر دیدگاه دقت تصحیح نیز کاستی هایی دارند. به طوری که گاهی برخی ابیات چاپ های موجود، پیام و مفهوم مورد نظر شاعر را نمی رساند. از آنجا که اینجانب، قصد تصحیح متن اشعار ناصرعلی را نداشتم از ورود به این حوزه، خودداری نمودم. نکته دیگر آن است که برخی اغلاط تایپی نیز در متن مورد استفاده (تصحیح حمید گرمی) یافت می شود. اما در مجموع، تصحیح حمید گرمی از تصحیح رشیده حسن هاشمی کامل تر به نظر می رسد.

برخی خطاهای تصحیح متن در غزل های ناصرعلی

- | | |
|--|--|
| صبح چون شبنم چکیدن داشت در بستان ما | تا گریبانی که بر روی صبا خندیده بود؟ |
| (ناصرعلی : ۱۶۲) | گریبانی - گریبانی |
| که می سازد حنای نبض من، دست طیبیان را | نمی دانم تب دوری چه آتش در نهادم زد |
| (ناصرعلی : ۱۸۰) | حنای ← حنایی |
| به سر می جوشدم چون شعله از هستی، رمیدن ها | چو مرغِ بسلم از غم در آغوش تپیدن ها |
| (ناصرعلی : ۱۹۱-۱۹۰) | بسلم ← بسلم |
| اما، قافیه ام، سر کرده ام گم کرده راهان را | جنونم یک بیابان، گردباد آورگی دارد |
| (ناصرعلی : ۲۰۲) | آورگی ← آوارگی |
| کف پای که از زخم حنا دارد گرانی ها | به خون دیده عاشق کجا آلوده می گردد؟ |
| (ناصرعلی : ۲۰۴) | پای ← پای |
| ز هم پاشد به زور خنده صهبا ایام ما | مزاج عاشقان، نازک تر از گل های این باغ است |
| (ناصرعلی : ۲۰۷) | مزاج ← مزاج |
| محرم زندان این میخانه، استغفار نیست | عشق می داند که جرم سینه صافان از کجاست |
| (ناصرعلی : ۲۱۶) | زندان ← زندان |

۱.....	مقدمه
۲.....	ناصر علی سیرھندی در تذکره ها

فصل نخست: زبان

۱۹.....	مقدمه
۲۰.....	ویژگی های زبانی اشعار ناصرعلی
۲۰.....	تکرار مع راع و سبک هندی
۲۵.....	جدول واژه های پر کاربرد سبک هندی در غزل های ناصرعلی
۲۷.....	ترکیب سازی در سبک هندی
۲۸.....	ترکیب سازی در غزلهای ناصرعلی
۳۷.....	واژه های مرکب نو و کم کاربرد در نزل های ناصرعلی
۳۸.....	ترکیبات و گروه های وصفی نو یا کم کاربرد در نزل های ناصرعلی
۴۰.....	کاربرد ترکیب وصفی مقلوب
۴۲.....	کاربرد کلمه مرکب که نتیجه ترکیب اضافی مقلوب است
۴۳.....	برخی ترکیب های نو
۴۴.....	ترکیبات و وابسته های عددی
۴۹.....	ترکیبات و عبارات محاوره ای
۵۰.....	کاربرد واژه زاید (حشو)
۵۱.....	کاربرد خلاف معمول

کاربرد افعال.....	۵۱
حذف فعل دعا.....	۵۲
تشدید مخفف.....	۵۲
کاربرد حروف.....	۵۳
عطای کاربرد زبانی.....	۵۵
استقبال ناصرعلی از غزل‌های دیگر شاعران.....	۵۵

فصل دوم: موسیقی

مقدمه.....	۶۵
موسیقی بیرونی (عروض).....	۶۷
جدول بحرهای عروضی در غزل‌های ناصرعلی.....	۷۱
جدول وزن‌های عروضی در غزل‌های ناصرعلی.....	۷۲
جدول وزن‌های کوتاه در غزل‌های ناصرعلی.....	۷۴
جدول وزن‌های متوسط در غزل‌های ناصرعلی.....	۷۴
جدول وزن‌های متناوب الارکان در غزل‌های ناصرعلی.....	۷۵
اوزان عروضی در غزل‌های ناصرعلی.....	۷۶
نقد وزن شعر.....	۸۵
نکته عروضی.....	۸۶
یک نکته در مورد قافیه (ایطای جلی).....	۸۶
موسیقی درونی.....	۸۷
بخش اول: بدیع لفظی.....	۸۸

- ۱- روش تجنیس ۸۸
- جناس تام ۸۸
- جناس مضارع ۸۹
- جناس اشتقاق و شبه اشتقاق یا اقتضاب ۹۰
- جناس زاید یا جناس افزایشی ۹۱
- ۲- روش تکرار ۹۲
- الف. تکرار واک یا واج آرایبی ۹۲
- ب- تکرار هجا (بخش) ۹۴
- ج- تکرار واژه ۹۵
- د- تکرار جمله ۹۷
- بخش دوم: بدیع معنوی ۹۷
- روش تشبیه ۹۸
- ارسال المثل یا تمثیل یا مثل ۹۸
- تجاهل العارف ۱۰۴
- تجسم ۱۰۲
- جمع و تفریق یا جمع با تفریق ۱۰۶
- روش تناسب ۱۰۶
- تلمیح ۱۰۶
- الف - آیات ۱۰۷
- ب. احادیث ۱۱۰

ج- داستان های پیامبران.....	۱۱۳
د- تلمیح به فرهنگ و باورهای عامه.....	۱۲۶
پارادوکس یا متناقض نما (Paradox).....	۱۳۴
حسن آمیزی.....	۱۴۶
رس ایهام.....	۱۴۹
ایهام (= تورية، توهیم، تخیل).....	۱۵۱
ایهام غناس.....	۱۵۵
ایهام تضاد.....	۱۶۲
ایهام ساختاری.....	۱۶۴
ایهام سمعی (تبادّر).....	۱۶۶
ایهام ترادف.....	۱۶۷
ایهام ترجمه.....	۱۶۸
ایهام ترجمه در غزل های ناصر علی.....	۱۶۸
ایهام گونه گونه خوانی.....	۱۶۹
أسلوب الحکیم.....	۱۶۹
استثنای منقطع.....	۱۷۰
روش ترتیب کلام.....	۱۷۰
لَفّ و نَشْر.....	۱۷۰
روش تعلیل و توجیه.....	۱۷۱
حسن تعلیل.....	۱۷۲

دلیل عکس..... ۱۷۶

فصل سوم: تخیل

مَقْدَمَه..... ۱۷۹

تخیل و شعر..... ۱۸۲

صَوَرِ خیال در سبکِ هندی..... ۱۸۳

سبکِ هندی ذوقِ زیبایی شناسی..... ۱۸۷

ارز و خیال..... ۱۸۸

لطافت و زاکت و باریک خیالی و رنگین آوایی..... ۱۸۸

تشبیه..... ۱۸۹

تخیل در اشعارِ ناصر علی و بکر شاعران..... ۱۸۹

تشبیهاتِ بلیغِ اضافی در غزل های ناصر علی..... ۱۹۱

برخی مشبه های پُر کاربرد در تشبیهاتِ بلیغِ اضافی در غزل های ناصر علی..... ۱۹۸

تشبیهاتِ بلیغِ اسنادی نو و کم کاربرد در غزل های ناصر علی..... ۲۰۱

نوآوریِ تصاویر..... ۲۱۱

تشبیهاتِ بلیغِ اسنادی توأم با نازک خیالی در غزل های ناصر علی..... ۲۱۲

استخدام..... ۲۱۴

اسلوبِ معادله..... ۲۳۵

استعاره..... ۲۴۹

استعارهٔ تحقیقیّه (مُصَرَّحَه)..... ۲۵۳

استعارهٔ مَکْنِیّه..... ۲۶۳

۲۶۵.....	استعارهٔ تبعیه
۲۶۶.....	تشخیص
۲۸۳.....	اهمیت تخیل
۲۸۴.....	دورهٔ گرای
۲۸۵.....	ایستایی
۲۸۵.....	توصیف در تخیلی تصاویرها
۲۸۶.....	نازک خیالی هندی شاعر
۲۹۶.....	اغراق و مبالغه
۲۹۷.....	تصاویر نو و کم کاربرد
۳۰۷.....	ایستایی و پویایی تشبیه
۳۱۶.....	ادوات خاص تشبیه:

فصل چهارم. عاطفه

۳۲۵.....	مقدمه
۳۲۷.....	درون مایه های عرفانی
۳۲۸.....	پیوند عرفان و شعر
۳۲۹.....	درون مایه های عرفانی در غزل های ناصرعلی
۳۴۳.....	کاربرد رنگ در غزل های ناصرعلی
۳۴۹.....	عرفان در سبک هندی و ناصر علی
۳۴۹.....	از خود رها شدن در شعر عرفانی
۳۵۰.....	درون مایه های اخلاقی

- ۳۵۲..... درون مایه های اخلاقی در غزل های ناصرعلی
- ۳۵۸..... درون مایه های اجتماعی
- ۳۵۹..... درون مایه های اجتماعی در غزل های ناصر علی
- ۳۶۵..... درون مایه های تعلیمی
- ۳۶۶..... درون مایه های تعلیمی در غزل های ناصرعلی
- ۳۶۶..... درون مایه های ختّامی
- ۳۶۸..... درون مایه های ختّامی در غزل های ناصرعلی
- ۳۷۱..... درون مایه های فلسفی و کلامی
- ۳۷۲..... سرنوشت تیر و تار ناصرعلی
- ۳۷۲..... جهان شناسی
- ۳۷۳..... کاربرد بخت و طالع در غزل های ناصرعلی
- ۳۷۴..... خانه و کلبه تاریک شاعر
- ۳۷۵..... ناصرعلی شاعرِ تپیدن ها، بی تابِی ها، بی ترانِی ها، میدان ها
- ۳۷۹..... سختی ها و رنج های ناصرعلی
- ۳۷۹..... کاربرد واژه «داغ» در غزل های ناصرعلی
- ۳۸۱..... کاربرد واژه «گداز» در غزل های ناصرعلی
- ۳۸۱..... کاربرد واژه «شهید» در غزل های ناصرعلی
- ۳۸۳..... ترکیب «ریگِ روان» و آفرینش مضامین نو
- ۳۸۴..... واژه «استخوان» و آفرینش مضامین نو
- ۳۸۶..... واژه «موج» و آفرینش مضامین نو

۳۸۷.....	مضمون آفرینی در سبک هندی
۳۸۸.....	مضمون آفرینی ناصرعلی
۳۹۶.....	درون مایه های رندی، قلندری و ملامتی
۳۹۷.....	قلندر در اشعار ناصر علی
۳۹۹.....	رنا در غزل های ناصرعلی
۴۰۲.....	بوللی قلندر ناصر علی
۴۰۶.....	حکم تکذیب ناصر علی، توبه کردن وی و گرایش به عرفان
۴۰۸.....	درون مایه های عاسیه
۴۰۹.....	مفاخره ادبی
۴۱۰.....	خودستایی در شعر ناصر علی
۴۱۹.....	فهرست منابع

مُقدِّمه

سرزمینِ باستانیِ هند، سرزمینی است که از قدیم‌ترین ایام، دارای فرهنگ و تمدن بوده و همواره با فرهنگ و تمدنِ ایران، ارتباطِ نزدیک داشته است. یکی از سبک‌های برجسته در حوزهٔ زبان و ادبیاتِ فارسی، "سبکِ هندی" است. «سبکِ هندی، سبکِ مسلطِ شعرِ قرونِ دهم و یازدهم ه. ق. ایران و هندوستان است.» (لنگرودی، ۱۳۷۵: ۱) هرچند که بهتر است گفته شود، سبکِ هندی از قرنِ دهم تا اواسطِ قرنِ دوازدهم در ایران و هند و آسیای صغیر، معمول بوده است. «باری کر آمدنِ حکومتِ صفوی و رسمی شدنِ مذهبِ شیعه، شاهانِ صفوی جز شعرهای مذهبی به دیگر انواعِ شعرِ درباری، عرفانی و عاشقانه بی‌توجهی کردند.» (انوشه، ۱۳۸۰: ۷۹۵) اشتغالِ فارسانِ شاهانِ صفوی به امورِ مملکتی و عدمِ استقبالِ آن‌ها از شعر و شاعری به علتِ داشتنِ دیدِ خاصِ مذهبی و توجهِ بیش از حدِ آن‌ها به مدایح و مراثیِ ائمه و وقایعِ خاصِ تاریخی که موجبِ انتقادِ شاعرانِ هندی گردید، طرزی نو و شیوه‌ای جدید در شعر به وجود آورد که از آن به "سبکِ هندی"، "طنزِ تازه" یا "سبکِ اصفهانی" نام می‌برند.

رانده شدنِ شاعران از دربارِ صفوی، باعثِ یک تحولِ فرهنگیِ بزرگ در ادبیاتِ ایران گردید. عمده علتِ این رویکرد به آن دلیل است که پادشاهانِ صفوی به سببِ اعتقادی که داشتند، نگاه و شیرازهٔ فکری و اعتقادی آن‌ها به شعر، نگاهی درباری نبود و اعتقاد داشتند که شعر باید در خدمتِ اعتقاد و ایمان باشد.

در نگاهی کلی، برای سبکِ هندی، خصوصیاتِ ذیل را برشمرده‌اند:

- ۱- تعقید و پیچیدگی، ۲- ایجاز و اختصار، ۳- کثرتِ تشبیهات، استعارات و کنایات،
- ۴- غرابت در تشبیهات و استعارات، ۵- به کار بردنِ واژه‌ها و اصطلاحاتِ عامیانه و بازاری،
- ۶- کثرتِ تمثیل، ۷- لفظ تراشی و ترکیباتِ خاص، ۸- بیانِ نوعی درد و شورِ غریب در غزل، ۹- الهام از تجاربِ روزمرهٔ اشخاص و محیط، ۱۰- شخصیتِ بخشی.

یکی از شاعران برجسته سبک هندی، ناصرعلی سرهندی است. ولادت وی در سال ۱۰۴۸ و وفاتش در سال ۱۱۰۸ هـ. ق می باشد او مُلقَّب به «صائبی ثانی» و متخلص به «علی» از شاعران معروف پارسی گوی هند در سده یازدهم و آغاز سده دوازدهم هجری قمری است. وی در زمینه بهره گیری از عنصر خیال و همچنین به کارگیری مضامین نو و تازه که اکثراً با نازک خیالی پیوند خورده از شاعران سرآمد سبک هندی است. «جودت طبع و جدت ذهن که ناصرعلی را در یافتن و آدا کردن مضمون ها چنین چیره کرده بود، مایه غرور وی نیز گشت و او را به بلند پروازی هایی ردا نمود که از حد او فراتر بود حتی، تصور می کرد که سخنگویان ایرانی باید در برابر گفتار او خادش و به تقدّمش مُعترف باشند و همین بلند پروازی است که او را به خودستایی بسیار در شعرش برانگیخت.» (صفا، ۱۳۷۱، ج ۵/۲: ۱۳۴۲)

شاعران بسیار از سبک شاعری ناصرعلی شوه مضمون پردازی و نازک خیالی او پیروی کرده اند. «از معاصران و مُتَتبعان معروف او که تذکره ها یاد شده، می توان از سرخوش، بیدل، فطرت، آفرین لاهوری، مُشتاق کشمیری، مُحَمَّد صبح آشفته، وحشت تهنیسی نام برد.» (هادی انداد جدید، ۱۳۹۵: ۳۶۱)

لازم است که در مقدمه کتاب، شرح حال و ویژگی های شاعر را از تذکره هایی که اکثر مؤلفان آن ها معاصر و نزدیک به زمان ناصرعلی می زیستند، نقل کنیم و سپس به دیدگاه یکی از پژوهشگران برجسته معاصر، استاد شفیع کدکنی بپردازیم.

ناصر علی سرهندی در تذکره ها

ناصر علی و تذکره سرو آزاد

« شیر نیستان سخنوری است، و مرد میدان معنی گستری. ذوالفقار کلکش به تسخیر قلمرو بیان پرداخته، و تصرف طبعش، آفتاب سخن را از افق غربی راجع ساخته. سرخوش گوید:

در مَلکِ سخن بود جهانگیر علی در مشرب دل ولی علی، پیر علی
با شعرِ علی نمی رسد شعرِ کسی ز آن سان که خطِ کس به خطِ میرعلی

گلِ وارستگی بر سر داشت و جامِ استغنا در دست. چاشنی گیرِ مشربِ بلند بود و مُتَمَسِّکِ سلسلهٔ علیّه نقشبند. استفاده از جنابِ شیخ محمدِ معصوم، خَلَفُ الصِّدِّقِ مُجَدِّدِ -قَدَّسَ اللهُ أَسْرَارَهُمَا- نموده و در مثنوی، زبان به مدحِ حضرتِ شیخ گشوده که :

چراغِ هفت کشور، خواجه معصوم مَنُورُ از فروغش هند تا روم
ردا از ماهتابِ شرع، بر دوش چو صبح از پاکی باطن، قَصَبِ پوش
مولدِ ناصر علی و مَوْطِن و مَنشَأَسِ سِهَرِنْد [sehrend] است. ابتدای حال با میرزا فقیرالله مخاطب به سیف خان بدخشی چون جوهر با شمشیر، مُلازِم بود. چون سیف خان را حکومت اله آباد از پیکاهِ خلافت، مَفْوُض گشت در رفاقتِ او به گلگشتِ اله آباد خرامید و چندی به سیرِ مَجْمَعِ البَحْرِیر، دِماغ را تازه کرد. سیف خان پسرِ تربیت خان، بخشی سیوم صاحبقران ثانی، شاهجهان، و دامادِ اسرارِ خالِ خوستی سفیدونی، متخلّص به والاست. در عهدِ خُلد مکان سَنَةِ تِسْع و سَبْعین و اَلَف (۱۰۲۰) به صوبه داریِ کشمیر، ریاضِ آمالش، نَضارت یافت. بعدِ چندی به علّتی، گوشهٔ انزوا گرفت و در سَنَةِ سِت و ثَمَانین و اَلَف (۱۰۸۶) به عنایت به حالی مَنصَب و خطاب و خِلعتِ خاصّه و شمشیرِ اَکْبَری عَزَلت برآمد و پس از آن به نظمِ صوبهٔ اله آباد، ویرانیِ خاطرش، آبادی پذیرفت و بیست و پنجِ رَمَضانِ سَنَةِ خَمْس و تِسْعین و اَلَف (۱۰۹۵) پیمانهٔ حیاتش لبریز گردید. سیف آباد، یک سَزل از سَزلِ آباد کردهٔ سیف خان است که خُلد مکان او را به طریقِ آلِ طُمغا عنایت فرمود. سیف خان، به برِ قابل و قابلِ دوست بود. «راگِ دَرِپَن» [rāg-e-darpan] در فَنِ موسیقی و رقصِ هندی و حِبارِ پارسی تألیفِ اوست. بعد از گذشتنِ سیف خان، ناصر علی در سَنَةِ هزار و صدم (۱۱۰۰) از سِهَرِنْد به بیجاپور رفت و با ذوالفقار خان بن اسدخان - وزیرِ اعظمِ خُلد مکان - موافقت دست به هم داد. بلیِ علی بود ذوالفقاری به دست آورد و در مدحِ او غزلی پرداخت که مَطْلَعش این است:

ای شَانِ حیدری زَجَبینِ تو آشکار نامِ تو در نبرد کُند کارِ ذوالفقار
ذوالفقار خان یک زنجیرِ فیل و مبلغیِ خطیر به او صله داد. ناصر علی همان ساعت همه را بر مردم پاشید و تهیدست به منزل خود برگشت. و چون ذوالفقار خان در سَنَةِ ثَلَاث و مِائَةُ و اَلَف

(۱۱۰۳) به تسخیرِ مُلکِ گَرَناتَک [Karnātak]، اقصایِ ممالکِ دَکَن، متوجّه گردید، با او به گَرَناتَک رفت و ایّامی معدود در آن نواحی به سر بُرد و با شاه حمید، اعتقاد به هم رسانید و به مدح او می پردازد:

ایّتک اینک ساقی شیرین رسید	نوبتِ جامِ حمیدالدّین رسید
حلقهٔ دُشَم بی چون، جامِ او	از زمین تا آسمان در دامِ او
جامِ او حورشیدِ ربّانی بود	انجمنِ افروزِ سبّحانی بود
گر جمالِ او براندازد نقاب	روزی هر خانه گردد آفتاب
ورجالش برکشید سیخ از لبام	غیرِ او باقی نماند و السلام

و این شاه حمید، مجذوبی بود در گنجی بعدِ فوتِ او، علی دوست خان از رؤسای نوابتِ آرکات بر مَرقدِ او قُبّه‌ای عالی شأن، بنا کرد. در مَدوحاتِ ناصر علی، شاه عادل پسر خواجه شاه، مخاطب به شریف خان است. شریف خان از بارخراز کرده‌های خُلد مکان بود و چندی به منصبِ صدارتِ کُل امتیاز داشت. گویند شاهِ عادل ترکِ دنیا نداشت و دامنِ دولتِ فقر به دست آورده. ناصر علی در مدحِ او قصیده‌ای دارد که مطلعش این است:

منم آن طفلِ نظر کردهٔ استادِ قدیم که بُد عطاء سَهو القلمِ فکرِ حکیم
و با غضنفر خان، ربطِ کُلی داشت. و این غضنفر خان از رُفقای ذوالفقار خان بود و به حکومتِ گَنجی می پرداخت. گَنجی شهری است مشهور بر مسافتِ دوازده گروه از ارباب و یکی از معابدِ سَبْعَه هُنود است. در مدحِ غضنفر خان گوید:

همچو پیلِ بی جگر بگریزد از میدانِ ما بَشَنود گر کوه، آوازِ غضنفر خانِ ما
آخر الامر از دَکَن به هندوستان، غطفِ عِنان نمود و در شاهجهان آباد بی نیازانه می گذرانید و همین جا بیستمِ رمضانِ سنّهٔ ثَمَان و مائَه و آلف (۱۱۰۸) به جَنّهٔ المأوا خرامید. عمرش قریب شصت سال و قبرش در حوالیِ مَرقدِ سُلطانِ المَشایخ، نِظامُ الدّینِ دهلوی قَدّسَ سِرّه است.